



سخنی درباره "قاموس کبیر افغانستان"

در این اواخر نوشته مبسوط و پرمحتوای جناب محترم انجنیر قیس کبیر درباره پروژه بزرگ فرهنگی زیر نام "قاموس کبیر افغانستان" که در این پورتال وزین در سه قسمت به نشر رسید، نظرم را بیش از پیش جلب کرد. خواستم درباره اهمیت این پروژه علمی و فرهنگی نظر مخلصانه خود را در حد و توان دانش محدود خود در این زمینه خدمت تقدیم دارم که البته آغاز آنرا با اقتباس از دو پراگراف قسمت اول مقاله محترم آقای کبیر شروع میکنم. ایشان انگیزه و لزوم این اقدام را با این عبارات توضیح میدارند:

«مبرهن است که از بین بردن یک کشور و ملت آن کار ساده نیست، شاید از نظر جسمانی با استفاده از جنگ های اتمی ممکن باشد اما از نگاه روانی **mentaly** ناممکن است، اما نظر به تجارب زنده و چشم دید های چندگانه گفته می توانیم که امروز این نابودی روانی هم برای افکار زیرک امکان پذیر شده است و آن تصاحب کلتور و فرهنگ مردم یک کشور به شکل تدریجی با اكمال ارزش های پولی، البته با مد نظر گرفتن احتیاجات حتمی زندگی افراد آن جامعه و خریداری شخصیت های سست عنصر در آن جامعه می باشد. ما این نابودی فرهنگ و کلتور را در کشور خود با دستان مغرض بیگانه درین سه دهه اخیر با چشم باز مشاهده می کنیم. لهذا نظر به تدقیق و بررسی حالت موجود زبان دری در داخل و خارج از کشور و حالت باید زبان در تکنالوجی مدرن امروزی و مداخلات شدید بیگانگان در جهان فرهنگ و ادب ما، تیم کاری افغان جرمن آنلاین تصمیم گرفت تا برای حفظ اصالت زبان دری و سهولت هرچه بیشتر دسترسی هموطنان ما در هر نقطه جهان که به سر میبرند، به کلمات اصیل زبان مادری شان، پروژه دیجیتال سازی لغتنامه های دری را که در اثر تهاجم فرهنگی ایران سالهاست از بازار ادب و فرهنگ برداشته و ناپدید شده است، با استفاده از امکانات مدرن تکنالوجی به راه اندازد که بیرون دادن آنرا در کوتاه مدت ممکن می سازد.»

آقای قیس کبیر در مورد هدف این پروژه چنین می نگارند: «مرام از بوجود آوردن همچو لغتنامه مرفوع سازی احتیاجات تقریباً 95 فیصد هموطنان ما که فعلاً در قید انحصار لهجه فارسی ایران درگیر مانده اند و مایحتاج شان را نسبت نبود قاموس دری مجبوراً با فرهنگ های ایرانی مرفوع می سازند، میباشد. با آنکه داریم بزرگانی که گاه گاهی زبان را از نگاه قدامت تاریخی، ریشه و گرامر به معرفی می گیرند و به سطح بسیار بلندی روش و طرق مختلف نوشتن و استعمال لغات را طی مقالات علمی و یا تجربی شان طرح میدهند. ما این عمل بزرگان با تجربه ما را ارج و احترام می گذاریم، اما این طریق بیرون و شرح دادن زبان به درد همگان نمی خورد زیرا یک تعداد هموطنان تحصیل یافته ما با فیصدی خیلی ها ناچیز که میخواهند زبان بدانند و در باره زبان بنویسند شاید بتوانند استفاده بسیار خوبی از همچو نوشته ها ببرند، اما؛ تعداد کثیر دیگری که صرف میخوانند لغات اصیل دری را در نوشته های شان استفاده کنند و ضرورت به شناخت، قدامت، تاریخچه و مشتقات زبان ندارند، میتوانند با استفاده ازین قاموس احتیاجات شان را رفع نمایند.»

نمیخواهم در اینجا از رابطه قوی بین فرهنگ و زبان صحبت نمایم، زیرا اهمیت آن برای همه واضح و آشکار است. سؤال اساسی در این ارتباط همانا حفظ و تقویه غنای زبان است تا از شر دستبردهای اغیار و إهمال کسانیکه متوجه حفظ اصالت زبان و فرهنگ ملی نیستند، در امان نگهداشته شود. اگرچه بعضی ها دری را یک "لهجه" می نامند و آنرا در پیکره زبان فارسی از نظر قواعد گرامری می گنجانند، ولی عده دیگر تفاوت در

معانی کلمات و اصطلاحات بین دری و فارسی مروج در ایران را آنقدر مهم می‌شمارند که نه تنها تفاوت در لهجه، بلکه تفاوت در معانی و اصطلاحات خاص موجب می‌گردد تا بین آنها جداً تفکیک گردد. در این مورد صدها مثال وجود دارند که خوشبختانه در قاموس‌های مختلف قدیم و جدید ذکر شده‌اند، از جمله قاموس "لغات عامیانه فارسی افغانستان"، تألیف عبدالله افغانی نویسنده که یک اثر ماندگار محسوب می‌شود. بيمورد نخواهد بود که متنی را از مقدمه آن اقتباس دارم که تذکار یافته: «با گذشت روزگار و از میان رفتن شرایط و ایجابات هر عصر اینگونه لغات و مصطلحات جای خود را برای لغات و مصطلحات دیگر می‌گذارند و با مرور سالها و قرن‌ها بفراموشی می‌رود و در صورت فرو گذاشت در واقع یک ضایعهٔ ثقافتی خواهد بود که گوارا نیست، زیرا خود لغات و مصطلحات می‌تواند اوضاع اجتماعی ملل را در مواقع و اعصار مختلف برای مدققین روشن و به آنها کمک بکند. از آنرو چاپ و نشر این کتاب برای ما بسیار مفید و ارزنده است.»

مرحوم استاد عبدالهادی داوی ضمن ابراز نظر در آغاز این قاموس به یک تعداد نکات مهم اشاره میکند که باید به آن توجه شود، چنانکه در یک قسمت می‌نویسد: «لغات دخیل این فرهنگ را بر مزایای صراحت بروز بدهند که بر ریشه و تاریخ لغات مندرجه روشنی افتاده، تاریخ وطن بیشتر مکشوف گردیده و به مطالعهٔ فرهنگ لذت و تمتع بیشتری خواهد بخشید؛ مثلاً اگر خواننده بداند که لفظ "سوس" (به معنی بخیل و طماع و لئیم) در اصل از "صوص" ... و "آرَجَل" از "عَرَجَل" و "سان" (که محررین ما تاحال آنرا "صحن" می‌نویسند) از "سحل" ساخته شده است و اصل شان عربی است. آیا کتاب بسیار دلچسپ تر و بهره بخش تر نخواهد شد و حس ریشه کاوی لغات را در خواننده بیدار خواهد گردانید؟»

به همین ترتیب مرحوم استاد خلیل الله خلیلی به نکته دیگر در مزیت این قاموس اشاره میکند و می‌نویسد: «لغاتی که در این کتاب گردآورده شده تنها محاوره عوام نیست، بلکه در آن بعضی کلمات نیز دیده میشود که در آثار استادان و گویندگان باستانی این کشور موجود بوده و در مرور زمان نویسندگان متأخر آنرا از نیشته های خود افکنده و مردم در محاورات خویش آنرا نگهداشته‌اند، مانند کلمه "گپ زدن" که در چکامهٔ یائیهٔ ابوالمجد مجدود آدم سنائی غزنوی موجود است، آنجا که گوید: "فخر محمود زبید گپ زدن بر عنصری" و مثالهای دیگر...»

غرض از نقل قول‌ها از بزرگان ادب و فرهنگ کشور که دو نمونه آن فوقاً ذکر شد، آنست که صدها کلمه و اصطلاح در زبان دری وجود دارند که ریشه‌های قدیمی داشته و اکنون فقط در محاوره روزانه مردم عوام معمول بوده و اما نسل نو معنی دقیق و ریشه‌های اصلی آنرا طور شاید و باید نمیداند و با این ترتیب این لغات و اصطلاحات که جزء غنای فرهنگی ما محسوب می‌گردند، از بین می‌روند.

از روزیکه موضوع تدوین یک قاموس دری به شکل دیجیتال به پیشنهاد یک عده دانشمندان هموطن مطرح شد، من به حیث یک علاقمند موضوع اینکار را نه تنها تأیید و تشویق کردم، بلکه بر ضرورت آن تأکید نمودم، بخصوص وقتی متوجه شدم که با پیشرفت تکنالوژی اکنون در همه زبانهای زنده دنیا این امکان میسر گردیده که بوسیلهٔ افزار کمپیوتری از روی صدا به نوشتن متن در یک زبان امکان پذیر شده است، طوریکه امروز در تلویزیون‌ها مشاهده می‌گردد هر آنچه گفته میشود، فوری متن نوشتاری آن در ذیل صفحه تلویزیون ظاهر می‌گردد.

در این راستا ایرانی‌ها کوشیده‌اند تا با معیاری ساختن لهجه تهرانی این امکان را در زبان فارسی مهیا سازند و اگر ما در این فرصت نتوانیم در جوار فارسی، لهجه دری کابلی خود را که یک لهجه عام در کشور محسوب میشود، نیز با این معیار آماده نسازیم، مجبور خواهیم بود که برای استفاده از این امکان تخنیکی بسیار مهم از لهجه ایرانی استفاده کنیم تا دستگاه صوت آنرا شناخته و متن را تحریر دارد. در این حال در ظرف چند سال به تدریج دری تحت الشعاع این وضع قرار گرفته و اصالت خود را از دست داده و بیک لهجه فرعی و کم ارزش تبدیل شده و با اینکار از ارزش فرهنگی و قدامت تاریخی و عمق معنی آن کاسته خواهد شد.

روی این ملحوظ رویدست گرفتن پروژهٔ تدوین یک قاموس دری به دری با مشخصاتی از نظر معنی، ریشه، صدا، و دیگر خصوصیات فرهنگی که در کلمات و اصطلاحات زبان دری وجود دارد، یک پروژه مهم و آینده ساز

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

محسوب میشود و میتواند با ذکر تلفظ کلمه بطور "فونتیک" به حروف لاتین زمینه گنجاندن آن در زبان کمپیوتری فراهم گردد و با این ترتیب زبان دری جای خود را در بین سائر زبانها حفظ کند.

میدانم پیشبرد این پروژه مهم و بزرگ کار ساده نیست و از عهده چند نفر بدر شده نمیتواند، مخصوصاً که اینکار نه تنها به همکاری دوامدار دانشمندان وارد در ساحه زبان و نیز دانشمندان در ساحات مختلف ضرورت دارد، بلکه در جوار آن موضوع دیجیتال سازی یک رشته اختصاصی و مغلق دیگر است که باید همزمان متخصصان آن رشته باهم تشریک مساعی نمایند تا این پروژه به نتیجه برسد. خوشبختانه در تیم افغان جرمن آنلاین اشخاصی متعهد در این زمینه موجود اند که وقت گرانبهای خود را وقف اینکار کرده و میکوشند تا حلقه همکاران مسلکی را جهت تدوین این قاموس وسیعتر سازند.

همانطوریکه یک نهال غرس میشود و به مرور زمان بزرگ شده و سالهای بعد به حاصل میرسد، سنگ تهداب این قاموس که اکنون به همت بزرگان با احساس گذاشته شده است، اكمال آن کار یک روز و یک ماه و یک سال نیست، بلکه تلاش متمادی را ایجاب میکند تا این نهال به ثمر برسد و آهسته آهسته بزرگتر و حجیمتر شود. ابراز آمادگی ها از جانب هموطنان دانشمند و وسیع شدن تدریجی حلقه همکاران، این امید را بار آورده که این پروژه سریعتر از آنچه تصور میشود، پیش برود. به فرموده جناب محترم انجنیر قیس کبیر: « گرچه ایجاد و به اتمام رسانیدن این قاموس از نظر بسیاری از هموطنان ما کار چندین ساله است در حالیکه ما دیگر در یک زمان مدرن دیجیتال زندگی می کنیم و امکانات دیجیتال سازی اگر یک تیم وابسته با وحدت و همدلی در یک جهان مجازی موجود باشد، این سال های متوالی را میتواند به یک سال و دو سال مبدل سازد که ما فعلاً همین امید را داشته به سوی مرام خود در حرکتیم.»

با ابراز قدراندانی از همه شخصیت های دانشمند و همکار این پروژه، تلاش پیگیر در اینکار را یک اقدام تاریخی، ماندگار و آینده ساز دانسته از خدای بزرگ موفقیت های مزید شانرا آرزو میکنم و نامگذاری آنرا به نام "قاموس کبیر" تائید میکنم، نه از نظر تعداد لغات، بلکه بیشتر از نظر دیجیتال سازی آن که یک ابتکار و یک قدم بزرگ در حفظ فرهنگ کشور به سطح جهانی محسوب میگردد.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ